

فریاد ما

سال سوم شماره 34 خرداد ماه 1386 بهاء €0,50

دست نشانندگان رژیم با مقوله ها به گونه ای است که هر کسی کمترین اطلاع و آشنایی از شهروند در این حدود 20 سال داشته باشد متوجه این عمل شنیع حکومتی های تهران می شود.

اما انتظار ما از رسانه های ایرانی خارج کشور است که با بازچاپ مطالب این گونه کارهای دور از شان و حرفه ی روزنامه نگاری نام شهروند را آلوده به مقاصد بی ارزش رژیم ایران نکنند. متأسفانه در ایران هیچگونه حرمت حرفه ای در ارتباط با کتاب و مقاله و نام و نشان و حرکت فرهنگی رعایت نمی شود. اما بر ایرانیان خارج از کشور است که در دام تضعیف گردانی های رسانه های ایرانی خارج از کشور نیفتند.

به این چند جمله از به اصطلاح گفت و گوی "هفته نامه شهروند" رژیم ساخته ی مجعول اگر اهالی رسانه ها توجه می کردند، هرگز دست به باز انتشار تبلیغات بی ارزش رژیم نمی زدند.

کما اینکه پیش از این رژیم کوشید با جعل نام "گویا نیوز" خبرنگار ی گویا را مورد بورش قرار دهد، اما هیچ رسانه ای در خارج و حتی داخل ایران حاضر نشد، از آن سایت مجعول نقل خبر و مطلب کند. در ارتباط با سوءاستفاده از نام رسانه های دیگر و در این مورد شهروند توسط عوامل رژیم رعایت این امر از حداقل اخلاق حرفه ای حکایت دارد. در پیشانی نوشت گفت و گویی که با سوءاستفاده از نام "شهروند" در گویا نیوز آمده است می خوانیم:

"هولوکاست و جهانی در اداره صهیونیست ها، گفت و گوی رضا خجسته رحیمی با محمدعلی رامین، هفته نامه شهروند"

"بشریت هیچ راه دیگری ندارد جز این که برای تامین سعادت خودش، سیستم ولایت فقیه را بپذیرد . . . بسیاری از صاحبان خرد و عقیده اعتقاد دارند که این دمکراسی، سیستم جهال است . . . نژادپرستی جزو ذات تاریخ و تمدن غرب است . . . همیشه در میان قوم یهود، گروهی فتنه گر که کارشان فتنه گری علیه بشریت است، وجود داشته . . . 150 کشور جهان با ما در طرح بحث هولوکاست همراه هستند."

انصافا کدام رسانه ی دارای اخلاق حرفه ای در خارج کشور را همکاران ما در گویانیوز می شناسند که چنان فرمایشاتی را در پیشانی نوشت گفت و گوی خود با کسی قرار دهد؟



از هموطنان در ایران و جهان و بویژه رسانه ها استدعا داریم مطالبی را که با نام "هفته نامه شهروند" و یا "شهروند کامیونیتی" و یا شهروند با هر پیشوند و پسوند دیگر دریافت می کنند، اگر در سایت شهروند به نشانی شهروند دات کام وجود ندارد، و از سوی دفتر مرکزی شهروند در تورنتوی کانادا نیست را به نام ما چاپ نکنند. تا این امر مورد نگرانی صدها هموطن آشنا و علاقمند به شهروند نشود، که هر لحظه با دلوپسی با ما تماس بگیرند و بخواهند بداندند ماجرای این گفت و گو و یا آن خبر چیست؟ از سوی دیگر به عوامل جمهوری اسلامی هشدار می دهیم که بیش از این عرض خود نبرند و زحمت ما نیفزایند که شهروند و کارنامه ی حدود دو دهه ای او آشکارتر از آن است که با این ترندهای بلهپهانه از میدان به در شود.

این بازی ممکن است چند روزی صاحبان بازی را به خود مشغول کند اما ما را از وظیفه ی فرهنگی و اجتماعی و ملی که داریم دور نخواهد کرد.

ما در دوران ظلم و تعدی به جان انسانها در کشوری که با نام و به بهانه اسلام جان مسلمان و غیر مسلمان را براحتی با فتوای انسانی ناآگاه و متحجر می گیرند، رشد نمودیم .

این کشور که:

با پذیرش ولایت فقیه ، قانون اساسی آن دال بر صغیر بودن ۷۰ میلیون مردم ایران می باشد و فقط حافظ منافع عده ای ناکس شده است .

این کشور که:

به گفته رهبرش (همانا جانشین نماینده خدا در زمین) که : مردم ایران دو گروه خودی و غیر خودی هستند و همه چیز را برای خودی ها درست و برای غیر خودی ها نا درست است .

این کشور که:

حق آزادی بیان و اندیشه را از تمامی مردم گرفته و در پاسخ کمترین اعتراض مردم توسط مزدورانش سرکوب و اعدام می گردد.

این کشور که :

نمایندگانشان منصوب رهبر و شورای نگهبان بوده و در خواب هستند



وای به حال این مردم

این کشور که:

ما گفتنی زیاد داریم ولی اینک توان باز گوئی تمام آنها نیست ولی این سر آغازی برای رساندن نجوای مان که اینک به صورت فریادی شده است می باشد. با امید همکاری شما انسان های آزاده و آزادیخواه .

ماهنامه فریاد ما

سوءاستفاده رژیم ملایان از نام "شهروند"

شهاب سبحانی

بی اخلاقی در رژیم ایران و برخی رهبران او حد و مرز نمی شناسد. بسیار بار رهبران این رژیم برای منفعت مادی و یا سیاسی خویش هر عمل غیراخلاقی و خلاف شئون انسانی را موجه جلوه داده اند.

شیوه ی برخورد با همسر سعید امامی و دشنام های چاروادارانه ی بازجوها به زن یکی از بالاترین مقامهای امنیتی خود یکی از صدها نمونه ی عمل بی اخلاقانه ی رژیم نسبت به خودیهاشان بود، در مورد غیر خودی ها رژیم هر عمل خلاف اخلاقی را حق خود می داند.

اخیرا عوامل رژیم از نام حالا حدود 17 ساله ی شهروند سوءاستفاده کرده و هم در درون کشور و هم در جایی از آمریکا یک هفته نامه به نام جعلی "هفته نامه شهروند" و یک سایت خبری به نام "شهروند کامیونیتی" راه انداخته اند که در هر دو شیوه عمل و نحوه ی برخورد

گروگانگیری ملوانان بریتانیایی و هدف از آن

وحید محمدمتقی پور

پیش بینی صدور دومین قطعنامه شورای امنیت و تحریم های تازه علیه حکومت اسلامی، به آشفتگی و هراس بیشتر در میان هیئت حاکمه ایران دامن زده و از همین رو آنها درست روز پیش از رأی گیری، چون اطمینان یافتند که همه کوشش ها برای جلوگیری از صدور آن به جایی نخواهد رسید، دست به رفتاری جنون آمیز زده و 15 تن از ملوانان بریتانیایی را ربوده و به گروگان گرفتند (هیچ نام دیگری را نمی توان به نتیجه این راهزنی دریایی داد). ساده انگاری است اگر پنداشته شود که ربودن و به گروگان گرفتن ملوانان بریتانیایی، بی برنامه ریزی و نقشه آماده شده از پیش روی داده باشد. کسانی که به درونمایه این حکومت ضد قانون و اخلاق (چه در سیاست های درونی خود چه در رابطه با دیگر کشورها و سیاست های بیرونی خود) آشنایی درستی داشته و رفتار و کردار نابخردانه و همیشگی آن ها را دنبال کرده باشند، می دانند که کار این رژیم بحران سازی های پی در پی برای فرار از رویدادها و پوشاندن حقیقت ها با رفتارهای همیشه قلندرمآبانه است. آنها سال هاست که در این اندیشه می سوزند که شاید بتوانند در منطقه و جهان خودنمایی نموده، به هر شیوه و گونه ای که شده، قدرتی بهم زده تا بدین ترتیب به حساب آمده، ارزش و اعتباری به دست آورند. بحران سازی تازه آنها نیز در نهایت خود در همین راستا است؛ ولی اگر در وجود این آقایان ذره ای خرد و دوراندیشی وجود داشت، از دست آوردهای نهایت زیان بار تا امروزی این گونه سیاست های ماجراجویانه و ویرانگر، می توانستند دریابند که سرانجام بردباری جهان روزی به آخر رسیده و آنچه نباید پیش آید، پیش خواهد آمد. امروز دیگر دوران زد و بندها با "جمهوری" اسلامی که تا آنجا پیش رفته بود که حتا به آنها اجازه می داد که آدمکشانشان را به برون مرز نیز گسیل داشته و پس از اجرای جنایت های ننگین خود، در بیشتر مورد ها نیز سالم به آغوش پر مهر رهبر معظم باز گردند نیز به سر آمده است. نه تنها این که آهسته آهسته بر شمار کسانی از دست اندر کاران رژیم که تحت پی گرد پلیس جهانی قرار گرفته و یا ورودشان به دیگر کشورها ممنوع می شود نیز افزوده شده و پرونده های جنایت ها روز به روز بیشتر به میان آمده و پی گیری می شود. قدرت نمایی و قلدری در میدان جهانی آن هم با آمریکایی که دوست و دشمن می دانند که در نیرو و توانایی نظامی (دیگر زمینه ها به جای خود که تا در آن ها نیز پیشرفت نباشد در میدان نظامی نیز به شکلی منطقی و درست به دست نمی آید) شیری است که به سادگی حتا نمی توان به دمش نیز نزدیک شد چه رسد به اینکه بخواهند به آن دست بزنند آن هم اگر این آقایان باشند که هنوز هم از نام صدام خفته در گور بر خود لرزیده و تنها دهان هایی گنده گو دارند و خود نیز خوب می دانند که حتا توانایی مقابله رو در رو چند هفته ای را نیز با آمریکا و هم پیمانان او ندارند. دیوانه سری تازه از سوئی از بی خردی و ندانم کاری و از سوی دیگر از ناچاری و فروماندگی آقایان در چاهی که خود با دستان خود کنده و می روند که در آن زنده به گور شوند، سرچشمه می گیرد.

هدف از این گروگان گیری چیست؟

1- نخستین هدف از این کار، دور کردن توجه مردم جهان از ضربه کارساز و کوبنده صدور دومین قطعنامه شورای امنیت است که تاکیدی دوباره، رسمی و بی چون و چرا بر پنهان کاری، نادرستی، سرکشی، یاغی گری و رفتار ضد قانون و ضد پیمان های جهانی حکومت اسلامی است. این قطعنامه با وجود همه باج دادن های حکومت اسلامی حتا در دور دست ها و به آفریقای جنوبی و با وجود همه دویدن ها و به این در و آن در زدن ها، با رأی یکپارچه 15 عضو و بی حتا یک رأی منفی، در زمانی کوتاه و بسیار زودتر از آنچه پیش بینی می شد، به تصویب رسید و یکبار دیگر نشان داد که رژیم اسلامی از دید جهانیان رژیمی است که نه اهل حرف حساب است و نه زبانی جز زور و فشار می فهمد. شور بختانه به دلیل اینکه دنیای پیشرفته و آزاد نمی تواند روش و رفتاری چون حکومت اسلامی داشته و دست به واکنشی همانند

بزند، این گروگان گیری توانسته است در این روزهای بیشترین توجه را به خود جذب کرده و صدور قطعنامه را تا اندازه ای کم رنگ کند. ولی برنامه ریزان این راهزنی دریایی به سرانجام کار و زیان هایی بیشتری که در آینده نه چندان دور بر خود آنها وارد کرده و به نیرومند ساختن و یکپارچه کردن بیشتر جهان در برابر آنها می انجامد، نیندیشیده اند که با شناختی که از چنین حکومتی هست، شگفت آور نیز نیست.

2 - هدف دیگر "جمهوری" اسلامی گونه ای "عریبه کشی" و "گردنه گیری" است تا نشان دهد که قدرت مند است و در برابر این گونه رفتار هم آهنگ و یکپارچه جهانی بر علیه پنهان کاری ها، آتش افروزی ها و برنامه ریزی های شوم خود، پس نرفته و بدان اهمیت نمی دهد. می بینیم که اصولن چون از شخصیت، کارشناسی و مایه سیاسی مورد نیاز جهان امروز بر خوردار نیستند، از سوئی شورای امنیت را نا مشروع و قطعنامه ها را ورق پاره، بی ارزش می خوانند ولی از سوی دیگر دست و پا می زنند که در جلسه همین شورای امنیت "نا مشروع" شرکت کنند تا شاید آن ضربه کاری را نخورند! وزیر امور خارجه حکومت از سر نادانی در همان جا می گوید که حکومتش آن قطعنامه را نمی پذیرد و در سخنرانی بی مایه و بی پایه خود با نیرنگ کوشش می کند که دست به شعبده بازی زده و یک بند "ملت ایران" را با "حکومت غاصب" ایران یکی کند و می پندارد که جهانیان بی خبر هستند که در ایران چه می گذرد! گوینده چنین سخنانی خود نیز نمی داند که چگونه با این سخنان پوچ، پایه های این رژیم را بیش از پیش سست و لرزان می گرداند.

3 - تردیدی نیست که هدف دیگر این گروگانگیری، گونه ای عقده گشایی رژیم اسلامی در برابر برخورد یکپارچه جهان و انزوا و درماندگی هر روز بیشتر آنها (شاید به گونه ای نادر در تاریخ جهان) در میان خانواده جهانی است. هر سیاست پیشه کم تجربه ای نیز می داند که چنین رفتار نابخردانه و بدتر از آن دروغ گویی آشکار در این باره که ملوانان در آبهای ایران بوده اند، تا چه اندازه برای یک حکومت زیان بار و ویرانگر است. یک دلیل بر دروغ گویی و پرونده سازی آنها در این باره همین است که آگاهی های نخست خود در باره محلی که به عنوان مکان دستگیری ملوانان بریتانیایی اعلام کرده بودند را دگرگون ساخته و امروز مختصات دیگری را به میان می آورند که با آنچه روز نخست می گفتند بسیار

تفاوت دارد. وزارت دفاع بریتانیا امروز اسنادی منتشر نموده است که نشان می دهد ملوانان 15، 3 کیلومتر در آبهای عراق بوده اند. (بر گرفته از سایت خبری بی بی سی).

4 - گذشته از سه مورد پیشین، رژیم اسلامی می پندارد که با گروگانگیری این ملوانان شاید بتواند دست به باج خواهی، زد و بند پشت پرده و داد و ستد زده، امتیاز هایی بگیرد. می توان پنداشت که فرضن درخواست رد و بدل کردن گماشتگان امنیتی بازداشت شده خود را با این گروگان ها به میان آورد که بسیار دور می نماید که کمترین نتیجه ای به دست آورد.

همان گونه که شیوه این رژیم زورگو و نیرنگ باز است، کوشش می شود که نشان دهند که خود ملوانان اعتراف کرده اند که در آبهای ایران بوده اند (حتمن حسین ش. ، نماینده نامی رهبر در کیهان، از آنها بازجویی نموده است!). نشان دادن تصویر این ملوانان در تلویزیون و بیان این که آنها اعتراف کرده و پوزش خواسته اند، همان بازی های کودکانه و مسخره همیشگی است که ما ایرانیان، به ویژه کسانی که زندان های "ام القزای اسلام" را خود تجربه کرده اند، به خوبی با آن آشنا هستیم. اعتراف گیری به ضرب زور و فشار و شکنجه، گونه ای تحقیر و خوار کردن انسان ها است که جزء و جودی رژیم اسلامی شده است و در این زمینه همه مرزهای بی شرمی را نیز در نور دیده اند. رژیم اسلامی با کوشش برای تحقیر ملوانان ربوده شده، هم زمان با قدرت نمایی و عقده گشایی، به گونه ای می خواهد از صدور قطعنامه دوم، انتقام گیری کند. آینده نشان خواهد داد که ارزیابی های رژیم اسلامی تا چه اندازه بی پایه بوده است و رژیم با این رفتارها چگونه هر دم بر آتش یک درگیری نظامی، که بی کمترین تردید بازنده بی چون و چرای آن خواهد بود، می دمد. ای کاش ما مردم می توانستیم پیش از آنکه آتش افروزان، که کمترین توجه و علاقه ای به آب و خاک ما

در روزهای آغازین اجرای طرح امنیت اجتماعی، محمد تقی عصار، معاون آموزش نیروی انتظامی از تعیین استانداردهای دقیقی برای چگونگی برخورد خبر داده بود. در روزهای بعد، تلویزیون دولتی ایران نمونه ای از برخوردهای پرسنل نیروی انتظامی را با گروهی از زنان به تصویر کشید.

با این حال پس از موضع گیری تند اسماعیل احمدی مقدم، فرمانده نیروی انتظامی در برابر انتقادکنندگان از طرح ارتقای امنیت اجتماعی، بر شدت عمل مجریان این طرح افزوده شد.



Photo : Javad Moghimi FARS NEWS AGENCY

تا آن جا که سهشنبه گذشته ۲۶ خرداد ماه، احمدرضا رادان، فرمانده انتظامی تهران بزرگ در یادداشت کوتاهی که خبرگزاری فارس آن را تحت عنوان «طرح امنیت اجتماعی، موافقان و مخالفان» منتشر کرد، نوشت:



«نیروی انتظامی بارها با واژگان سلیس و با صراحت و شفافیت کامل اذعان داشته است که در مقابله با افراد بد پوشش هرگز متوسل به خشونت و تندی نخواهد شد و از رنجاندن شهروندان محترم نیز به شدت اجتناب خواهد ورزید، تجربه یک ماه اخیر نیز به درستی چنین ادعایی را نمایان کرده است.» این یادداشت کوتاه در حالی منتشر شده است که شامگاه یکشنبه سی ام اردیبهشت، وب سایت کانون زنان ایرانی از برخورد خونین نیروی انتظامی با چند دختر جوان در میدان هفت تیر خبر داد.

ندارند، ایران را ویران کنند، آنها را از اریکه قدرت به زیر کشیده، هم خود و هم سرزمین خود را از نابودی رها می ساختیم. جوانان فرهیخته و کوشای ایرانی این روزها وظیفه و مسئولیتی سنگین بر دوش داشته و هر آن و در هر مجالی می بایست مردم را از حقیقت ماجرا ها آگاه نموده و با تمام توان آماده باشند که اگر دیوانه سری های حاکمان، ایران را به یک درگیری نظامی کشاند، به هر شکلی که خود مناسب می دانند و با بر آورد درست از نیرو و توان خود و مردم، در همان نخستین دقیقه ها دست به اعتراض و شورش بزنند. برای چندمین بار می بایست به همه نیروهای نظامی که هنوز دل با مردم و میهن خود دارند و از آلودگی های این رژیم به خوبی آگاهند، یاد آور شد که خود را آماده و مهیا سازند که در نخستین مجال به مردم پیوسته و اجازه ندهند که حاکمان شاید مردم و میهن ما را در خون، ویرانی و نابودی فرو برند. شما فرزندان آن سرزمین و پرورده آن آب و خاک هستید. با شما چه کرده اند که بر روی خواهران و برادران خود شمشیر می کشید و خود و مردم خود را به مثنی ملای شیداد و دروغ ساز و دروغ پرداز واگذار کرده اید که لقمه از دهان مردم گرفته و در حلقوم آدمکشان حماس و حزب الله لبنان می ریزند؟ چگونه می توانید بر این همه ناپسامانی، فقر، اعتیاد، تن فروشی، بیکاری، بی قانونی و ... در پیرامون خود که هر روز شاهد بر آن هستید چشم فرو بسته و تنها به فکر پر کردن جیب و شکم خود با پول و نان آلوده هستید؟ چه زمانی می خواهید دست از ننگ همکاری و همراهی با این رژیم غیر انسانی بکشید و حقیقتن چگونه پاسخ گوی آیندگان خواهید بود؟

با ساده دلان که هنوز می توانند فریب شیدان حاکم را بخورند می بایست پی در پی گفت و گو کرده و به آنها یاد آور شد که هرگز یک بار دیگر فرزندان دلبند خود را در راه نقشه های شوم و قدرت خواهانه ملایان شیداد، قربانی نکنند. من و کسانی که چون من می اندیشند، به شدت مخالف یورش نظامی به ایران هستیم و برای جلوگیری از آن کوشش می کنیم ولی به بهانه "دفاع از میهن"، هرگز با رژیم اسلامی و با این آدمکشان در یک صف قرار نخواهیم گرفت. مخالفت با درگیری نظامی و یورش آمریکای هم پیمانان به ایران به معنای هم کاری و پشتیبانی از این رژیم آلوده و جنایت پیشه نیست.

سرکوبی جدید به بهانه حجاب زنان و جوانان

ابراهیم خزائی

اعلامیه جهانی حقوق بشر ما ده 3:

هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد

با گذشت یک ماه از آغاز طرح تازه نیروی انتظامی جمهوری اسلامی با عنوان طرح امنیت اجتماعی با رویکرد اخلاقی و مبارزه با آنچه که بد حجابی خوانده می شود، مسئولان انتظامی دامنه اجرایی این طرح را از محدوده زنان به مردان و همچنین افرادی که از آن ها به عنوان ارادل و اوباش نام برده شده است، گسترش داده اند.



IRNA

باز هم خفقان عمومی

بهباد توکلی
حکومت آخوندی اولین قدم سرکوبگرانه عمومی را علیه زنان برداشت. این رژیم که در 22 بهمن سال 57 با سرقت انقلاب مردم ایران بر ارکان قدرت چنگ انداخت، هنوز يك ماهه نشده بود که در اولین روز جهانی زن در حاکمیت آخوندی به زنان ایران چماق و دشنه و چنگ و دندان نشان داد و در 17 اسفند 57 زوزه‌های «یا روسری یا توسری» سرداد. حکومت آخوندی در تبلیغات دجالگرانه خود همواره این برداشت اولیه را تقویت کرده است که گویا برای رعایت حرمت اخلاق و سنتهای دینی نسبت به موضوع حجاب حساسیت دارد و بسیاری از مخالفان رژیم هم می‌گویند آخوندها به‌خاطر ذهنیت سنتی و اعتقادات دگم دینی می‌خواهند حجاب و مقررات اخلاقی را با زور و تحکم تحمیل کند. هرچند که این برداشت يك رویکرد ضدژنیتی است اما واقعیت ندارد و در عمل به‌سود رژیم است. زیرا در کلیت خود دجالیت آخوندی زیر پرده دین را (در عین مخالفت با روشهایش) تقویت می‌کند. این بحث اگر در سالهای اول روی کار آمدن آخوندها يك بحث نظری بود، بعد از سپری شدن ربع قرن با يك تجربه عملی تعیین تکلیف شده است. تجربه تکانه‌دهنده این است که در حاکمیت آخوندی که مدعی ارزشهای اخلاقی و دینی است، شاهد سقوط بی‌سابقه ارزشهای اخلاقی و اعتقادات دینی هستیم. آخوندها اولین کسانی هستند که متوجه این روند شدند ولی نهنها روشهایشان را عوض نکردند، بلکه در عمل باعث شتاب بیشتر این روند شده‌اند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که آخوندها در بگیر و ببندهایی که به بهانه حجاب راه می‌اندازند و اصولاً در تولید بهانه خمینی ساخته‌ی به‌نام بدحجابی تنها هدفی که ندارند بحث اخلاقیات و سنتهای دینی است. پس هدف چیست؟ هدف تحکیم خفقان عمومی با ردیالانترین سوءاستفاده از دین و ردیالانترین اهانتها به زنان آزاده ایران است. واقعیت این است که بگیر و ببندهای آخوندها در کوچه و خیابان به‌بهانه آخوندساخته بدحجابی مستقیماً در خدمت محکم‌کردن چفت و بستهای سرکوب و خفقان است.

این واقعیت را در علت‌یابی اقدامات سرکوبگرانه و زن‌ستیزانه رژیم در مقطع کنونی به وضوح می‌توان دید. زیرا در يك کلام این بگیر و ببندها برای خفم‌کردن صداها و تحت‌الشعاع قرار دادن بحرانهای درونی و بیرون رژیم است. آخوندها که با تحریم شدیدتر بین‌المللی مواجه شده‌اند و در داخل کشور هم با رشد اعتراضات اجتماعی مواجهند، با بهانه مبارزه با بدحجابی يك موج سراسری سرکوب به‌راه می‌اندازند و به‌این وسیله حضور سرکوبگرانه نیروهایشان را در همه جا افزایش می‌دهند. نه تنها در کوچه و خیابان بلکه در ادارات و کارخانه‌ها و مدارس و دانشگاهها نیز همین روند به‌راه می‌افتد و انجمنهایی که به‌نام اسلام ولی برای سرکوب ایجاد شده‌اند شروع به اعمال تحمیلات ارتجاعی می‌کنند. دقت کنید: در اولین روز شروع همین طرح سرکوبگرانه، رژیم آخوندی، براساس آمار رسمی خودش، نزدیک به 1400 نفر را مورد بازجویی خیابانی قرار داده، 117 نفر را دستگیر کرده و به 544 مرکز صنفی تذکر دادند. صنفهای مختلف در ارتباط با پوشاک نامناسب هشدار داده شده و از آنها تعهد گرفته شده است و 20 مغازه نیز در همین راستا پلمپ شده و 47 خودرو به‌خاطر دارا بودن راننده بدحجاب توقیف شده است. سرکرده نیروی انتظامی هم اعلام می‌کند که دستگیرشدگان طرح بدحجابی باید منتظر حبس و شلاق باشند. همزمان به ار گانهایی حکومتی کنترل‌کننده اصناف و نهادهایی که کارمندان زن دارد بخشنامه‌های شداد و غلاظ فرستاده می‌شود که «در صورت مشاهده موارد تخلف، ضمن برخورد با متصدی و مسئول مربوطه، در صورتی که فرد خاطی کارمند دولت باشد، تا تعیین تکلیف از کار منفصل خواهد شد. همچنین در صورتی که وی کارمند دولتی نباشد، موضوع در سوابق او ثبت و تا پنج سال از استخدام وی در مشاغل دولتی جلوگیری خواهد شد».

به این ترتیب این طرح قیل ازتک تک افراد دستگیر شده یا مغازه‌های پلمپ شده، می‌خواهد يك خفقان عمومی را با اهرم شیدانه مقابله با بدحجابی برقرار کند. چرا که در گرداب بحرانهای درونی و بیرونی نظامش می‌خواهد به هر قیمت اوضاع را تحت کنترل بگیرد. این

سرکوبگری شیدانه با تجسس در احوال شخصی مردم در کوچه و خیابان و در اداره و مدرسه و دانشگاه صورت می‌گیرد و به‌نام اسلام توجیه می‌شود حال آن‌که قرآن به صراحت تجسس را منع کرده و تصریح و تأکید کرده است که هیچ اکراه و اجباری در کار دین روا نیست.

یک اقرار از مزدور ولایت فقیه

شهاب سبحانی
معاون اول احمدی‌نژاد: بیش از 4/5 میلیون ایرانی فقط نان و ماست می‌خورند صدای عدالت در تیتراژ اول خود به نقل از داوودی معاون اول احمدی‌نژاد نوشت :

دو دهم جمعیت کشور بسیار کم درآمد و نزدیک 4/5 میلیون نفر با درآمد روزی کمتر از 1000 تومان زندگی می‌کنند... قدرت خرید دو دهک پایین درآمدی جامعه بسیار پایین است و قوت غالب آنها نان و حداکثر نان و ماست است که دولت که بر اساس شعار عدالت و توجه به اقشار کم درآمد سر کار آمده باید به آنها توجه کند... [با اشاره به افزایش قیمت حبوبات] حبوبات غذایی طبقه کم درآمد جامعه است و با افزایش قیمت، اقلامی همچون حبوبات و سیب‌زمینی از سفره دهک‌های پایین جامعه رخت می‌بندد... [با اشاره به افزایش عملکرد تولیدات کشاورزی در سال جاری، بخش کشاورزی را در توسعه اقتصاد کشور مهم خواند] علی‌رغم فشارهای دولتی مبنی بر کاهش نرخ سود تسهیلات بخش کشاورزی به میزان 11/5 درصد، هنوز در برخی از بخش‌های مربوط به کشاورزی تسهیلات با سود 16 درصد پرداخت می‌شود که این امر از عدم تمایل بانک‌ها به سمت تولید و رغبت آنان به سوی سودآوری بیشتر ناشی می‌شود... [در رابطه با دلیل مهم شدن افزایش قیمت حبوبات و سیب‌زمینی و سایر اقلامی از این قبیل در کشور] این‌گونه اقلام قوت غالب بسیاری از خانوارهایی است که از درآمد پایینی برخوردارند، ضمن آن‌که در حال حاضر بیش از دو دهک جامعه از قدرت خرید پایینی برخوردارند، به نحوی که 4/5 میلیون نفر از جمعیت کشور با 30 هزار تومان در ماه زندگی می‌کنند... [با بیان این‌که قیمت‌ها را اصلاح می‌کنیم] از آنجایی که با افزایش قیمت يك کالا، قیمت سایر اقلام نیز افزایش می‌یابد، بنابراین باید قیمت‌ها را اصلاح و تا جایی که امکان دارد آنها را مدیریت کرد.

مدیر مسئول

امیر خزائی

سر دبیر

شهاب سبحانی

هیئت رئیسه

بهباد توکلی

ابراهیم خزائی

وحید محمدتقی نژاد

آدرس :

Shahab Sobhani
Fritzhusemann Str. 20A
59192 Bergkamen
Tel.: Tel.: +49 2307286316
s_sha_30@yahoo.de
www.azadegy.de/Fariade%20Ma/index.htm

یادآوری

این نشریه زیر نظر مدیر مسئول برای رساندن فریادمان به دیگران و دفاع از حقوق انسان‌ها در ایران و افشاکاری جنایات و خیانت‌های رژیم اسلامی منتشر میشود.

نشر آثار، سخنرانی و اطلاعیه به‌معنی تانید و پذیرش آنها نمیباشد .
با اعتقاد به گسترش افکار، استفاده و انتشار آثار چاپ شده در این نشریه کاملاً آزاد است

فریاد ما